

ویژگی‌های یاوران امام مهدی (ع)

نصرت الله آیتی

مقدمه

هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد؛ یارانی که ستون‌های انقلاب‌اند و سنگینی آن را بر دوش می‌کشند. سستی و استواری هر یک از این دو، با سستی و استواری دیگری ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ یعنی، هر اندازه حجم بنای انقلاب کمتر باشد، پایه‌های آن از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود و به هر میزان که آن بنا، بلندتر و گسترده‌تر باشد، به ستون‌های محکم‌تری نیاز خواهد داشت. ما با نگاه به حجم و گستردگی این بنا، می‌توانیم دریابیم بر چه ستون‌هایی افراشته شده است؛ همچنان‌که با تأمل در اهداف و غایات آن نیز می‌توانیم، میزان و حجم ابزار و وسایل مورد نیاز و نیز پدیدآورندگان آن را گمانه زنیم.

در این نوشتار، به دنبال تبیین ویژگی‌های یاوران امام مهدی (ع) و همراهان او هستیم؛ کسانی که در حرکت جهانی او، به مثابه بازوان نیرومند آن حضرت، در خدمت او و اهداف او هستند.

این نوشتار دو نتیجه اساسی در پی خواهد داشت:

اول این‌که دانستن این ویژگی‌ها، می‌تواند مقیاسی برای محک زدن خود و اهداف خود و معیاری برای فهم میزان قابلیت ما، در همراهی با حضرت و جهاد در رکاب او باشد. ما همیشه، منتظر رؤیت خورشید بوده‌ایم و شاید فردا، روز موعود باشد! آیا ما خود را برای آن روز مهیا کرده‌ایم؟ با فهم این ویژگی‌ها، می‌توانیم دریابیم که پای رفتن این راه را داریم یا نه و در آن روز موعود در کنار حضرتیم یا در مقابل او.

ثمره دوم، زمینه سازی برای ظهور است. توضیح این‌که فرا رسیدن روز سراسر مبارک ظهور، بسته به دو عامل اساسی است که منطقاً، با فقدان هر کدام از آنها، قیام حضرت، بی‌نتیجه خواهد بود:

1. وجود زمینه مردمی؛ اگر در مردم، احساس نیاز به امام شکل نگیرد، وقتی او بیاید، قدرش را نخواهند دانست و به راحتی او را تنها خواهند گذاشت؛ بلکه شاید علیه او شمشیر نیز بکشند، همان‌گونه که اغلب مردم با پیشوایان معصوم پیشین (ع) چنین کردند.

2. فراهم آمدن یاران، همراهان و هم‌زمانی کارآمد و توانمند که با فقدان‌شان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی‌های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آنها، در واقع تلاش برای زمینه‌سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است. در روایات، گرچه از این صفات، به عنوان ویژگی‌های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید یکی از پیام‌های این روایات، بر شمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی باید برای خود ترسیم کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آنها به کار بندد و اوج‌هایی که یک شیعه در تمام قرن‌ها و عصرها باید بدان‌ها چشم دوخته، خود را در مسیر دست یافتن بدان‌ها قرار دهد.

ویژگی‌های یاران امام زمان(ع)

برای فهم ویژگی‌های یاران امام مهدی(ع)، از دو مسیر می‌توان حرکت کرد: مسیر نخست، تأمل در روایاتی است که آن خصوصیات را بیان می‌کند. مسیر دوم، تحلیل میزان عظمت و وسعت انقلاب و گستره حرکت حضرت و نیز توجه و تأمل در اهداف و آرمان‌های آن حرکت است.

در این گفتار، مسیر دوم را خواهیم پیمود؛ گر چه از روایات مربوط به این موضوع نیز بهره خواهیم برد.

ابعاد حرکت امام عصر (عج)

انقلاب امام مهدی (ع)، بزرگ‌ترین جنبش تاریخ بشریت است و از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است؛ از جمله:

عمق؛ این حرکت، از عمیق‌ترین جنبش‌های بشریت است. منظور ما از «عمق»، بلندای اهداف و عظمت آرمان‌ها است که در عمل نیز به وقوع خواهد پیوست. این جنبش، به شعارهای پرزرق و برق و اهداف کم مایه نمی‌پردازد؛ بلکه انسان‌ها را به سوی معنویت و رشد، هدایت می‌کند و تمام استعدادهای آنان را به سمت تعالی و شکوفایی جهت می‌دهد. امام باقر (ع) می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَعْضَهُمْ بِأَعْقَالِهِمْ وَأَكْمَلَ بَعْضَهُمْ بِأَخْلَاقِهِمْ؛ (1) چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را به کمال برساند»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«تَوَتَّوْنُ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ» (2) در دولت مهدی (ع) به شما حکمت بیاموزند.

گسترده‌گی؛ این جنبش از نظر جغرافیایی و کمی، گسترده‌ترین جنبش‌ها است. موج این حرکت، از بزرگ‌ترین قاره‌ها گرفته تا کوچک‌ترین روستاها و کپرها را در می‌نوردد و آنها را به تلاطم درمی‌آورد. امام صادق (ع) در تفسیر آیه «و عدالله الذین، آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض...» (3) فرمودند:

«لم یجیء تأویل هذه الآیة و لو قام قائمنا بعدُ سیری مَنْ یُدرکه ما یكون من تأویل هذه الآیة و لیبلُغَنَّ دین محمد (ص) ما بلغ اللیل...» (4) تأویل این آیه، هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کرد، کسی که او را ببیند، تأویل این آیه را خواهد دید که دین محمد (ص) به هر جا که شب وارد شود، خواهد رسید».

امداد الهی؛ امداد الهی، پشتوانه این حرکت است و اراده خداوند بر این تعلق گرفته که این حرکت به ثمر نشسته و حکومت صالحان سرانجام، سراسر گیتی را فرا گیرد: «و نرید أن نمَنَّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثین» (5) ما خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

امام علی (ع) در تفسیر این آیه فرمودند:

«هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جُهدهم فیُعزّهم و یذلّ عدوّهم» (6)؛ آنان اهل بیت پیامبرند که خداوند، پس از سختی‌هایی که بر آنان می‌رسد، مهدی شان را بر می‌انگیزد و آنان را عزت بخشیده و دشمنان شان را خوار می‌گرداند».

رهبری منحصر به فرد؛ رهبری ویژه این انقلاب، از دیگر ابعاد عظمت آن است. برای مرتبه بلند او، همین بس که امام صادق (ع) در وصف او فرمودند: «و لو أدرکتہ لخدمته أیام حیاتی» (7) اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به خدمت او می‌پرداختم».

اصالت؛ جنبش حضرت، از نظر تاریخی، از ریشه دارترین حرکت‌ها است. اعتقاد به مصلح، در تمام ادیان و بسیاری از نحله‌ها و مکاتب بشری، وجود دارد؛ از آیین زرتشت گرفته تا یهودیت و مسیحیت و ... (8)

این توضیحی کوتاه درباره برخی از ابعاد حرکت بزرگ امام عصر(ع) بود. حال به تبیین لوازم آن می‌پردازیم.

نخستین بُعد از ابعاد عظمت حرکت حضرت، عمق آن بود. از عمق این حرکت و اهداف بلند آن، می‌توان به عمق باورها و ژرفای نگاه‌ها رسید؛ چرا که آن ثمره ارزشمند، جز بر این ریشه‌ها و شاخه‌ها نمی‌روید. مگر می‌توان بدون برخورداری از اعتقادات و نگاه‌های عمیق، اهدافی با این حد و اندازه داشت و نگاه‌ها را به افق‌هایی این چنین بلند دوخت؟!

یکم. بینش عمیق

یاران مهدی(ع)، از بینش‌هایی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند.

1. بینش عمیق نسبت به حق تعالی

«رجالٌ عرفوا الله حقَّ معرفته و هم أنصار المهدی فی آخر الزمان» (9)؛ مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته‌اند، و آنان، یاران مهدی (ع) در آخر الزمان‌اند.

«رجالٌ کأنّ قلوبهم زُبُر الحديد لا یشوبها شکّ فی ذات الله اشدّ من الحجر» (10) آنان مردانی‌اند که دل‌هایشان گویا پاره‌های آهن است (سخت‌تر از سنگ). بدون هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند.

این باور، آن قدر با صلابت و استوار است که مرارت‌ها و مصیبت‌ها، در آن خللی ایجاد نمی‌کند و بلاها و امتحانات، آرامشش را به تلاطم نمی‌افکند و شبهات و سؤالات، در آن رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند.

آنان، از سرچشمه توحید ناب، سیراب‌اند و به حضرت حق - آن چنان که شایسته است - اعتقاد دارند: «فهم الذین وحدوا الله حقَّ توحیده» (11) آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق

وحدانیت او است، اعتقاد دارند». حرم دل‌هایشان را بتهای نفس، ثروت و مقام نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد.

نتیجه این بینش عمیق، ایمان و تقوا است. این دو را هم در چهره عبادتها و راز و نیازهایشان می‌توان دید «ذکر» و هم در آینه تلاش و کوششی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند «تلاش».

الف) ذکر:

«لهم فی اللیل أصوات كأصوات الثّواکل حَزناً من خشية الله؛(12) در دل شب، از خشیت خداوند، ناله‌هایی دارند مانند ناله مادران پسرمرده»

«قَوّام باللیل صَوّام بالنّهار؛(13) شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند»

«رجالٌ لا ینامون اللیل لهم دویّ فی صلواتهم کدویّ النّحل یبیتون قیاماً علی اطرافهم و یسبّحون علی خیولهم (14)؛ مردان شب زنده‌داری که زمزمه نمازشان، مانند نغمه زنبوران کندو، به گوش می‌رسد. شب‌ها را با زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند».

ب) تلاش:

یاران مهدی(ع)، نه تنها اهل «اطاعت و بندگی» اند؛ بلکه دراین مسیر، اهل «جدیت و تلاش» نیز هستند و تمام توان خود را در این راه به کار می‌گیرند: «مُجَدِّون فی طاعة الله؛(15) آنان در طریق عبودیت، اهل جدیت و تلاش اند»

2. بینش عمیق نسبت به امام(ع)

یاران مهدی(ع)، امام خود را می‌شناسند و به او اعتقاد دارند: «القائلین بإمامته»(16) اعتقادی که در ژرفای وجودشان ریشه دوانده و سراسر جان‌شان را فرا گرفته است. این معرفت، شناخت شناسنامه‌ای و دانستن نام و نشان او، و دانستن اسم پدر و مادر و محلّ تولّد او نیست؛ بلکه معرفت به «حقّ ولایت» است؛ یعنی، فهم این حقیقت که او از من، به من نزدیک‌تر و سزاوارتر است و از

مادر به من مهربان‌تر؛ چرا که عشق مادر، و حتی عشق من به خودم، غریزی است؛ اما عشق او، الهی و آسمانی است. او به سه دلیل، مرا برای خودم می‌خواهد :

1. به جهت آگاهی‌اش به تمام هستی و استعدادها و توان‌مندی‌های من؛

2. آزادی او از بند هوا و هوس‌ها و زندان خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها و...؛

3. و قرب و اتصالی که به منبع لایزال رحمت و لطف هستی دارد.

او می‌خواهد سرشارم کند، تا آلودگی‌های نشسته بر بال روحم را بزدايد و لطافت و سفیدی پره‌های آن را، دوباره به آن بازگرداند و بر دست‌های مهربانش نشاند، به اوج آسمان‌ها و کنگره عرش الهی پرواز دهد.

نتیجه این بینش عمیق، محبت و اطاعت است:

الف) محبت:

دل‌های یاران مهدی(ع)، سرشار از محبت او است. بر آن لوح‌ها، جز الف قامت او نوشته‌ای نیست. این شیدایی تا بدان حدّ است که حتّی زین اسب او را، مایه برکت می‌دانند و به آن تبرّک می‌جویند: «یتمسّحون بسّرج الامام یطلبون بذلک البرکة»؛ (17) به عنوان تبرک، بر زین اسب امام دست می‌کشند»

به جهت همین عشق آتشین، آنان در آوردگاه رزم، او را مانند نگینی در برمی‌گیرند و جان خود را سپر بلایش می‌کنند: «یحقّون به و یقوّنه بأنفسهم فی الحرب»؛ (18) در میدان رزم، گردش می‌چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند».

چه بسیار است فاصله میان ما و یاران او؛ چرا که ما از جان و حتی وقت خود، برای او سهمی قرار نداده‌ایم، و چه اهداف و آرمان‌هایی از او که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت‌هایی از او که بی پاسخ مانده است!؟

ب) اطاعت:

دومین ثمره درخت بینش، «اطاعت» و مقدّم داشتن اراده او بر اراده خوداست. یاران امام عصر (عج)، این چنین اند و در برابر او تسلیم و خاضع اند: «هم أطوع من الأُمّة لسَيِّدها»؛ (19) اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیش تر است».

آنان در برابر قرائت امام، از خود قرائتی ندارند و اراده نفس اماره خود و اکثریت را، بر اراده و میل او مقدّم نمی‌پندارند. یاران او، نیک می‌دانند که حق، با امام است و او با حق؛ چه دیگران بپذیرند و چه انکار کنند. آنان به بهانه نواندیشی و روشن‌بینی، از امام خود سبقت نمی‌گیرند و گرچه پشت سر او در حرکت‌اند، ولی پای از دام‌ها برمی‌گیرند تا از او فاصله نگیرند. آنان نه تنها مطیع‌اند، بلکه بر خلاف بسیاری - که به بهانه فقدان زمینه، امکانات، سختی راه و... - از خدمت به او و اهدافش شانه خالی می‌کنند؛ در اطاعت او، اهل جدیت و تلاش‌اند و برای بر زمین نماندن آرمان‌های او، خود را به آب و آتش می‌زنند و از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کنند: «...مجدّون فی طاعته» (20) و در این رسالت بزرگ همراه و هم پای امام هستند: «بهم ينصرُ الله إمامَ الحق» (21)

3. بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

اگر یاران او به کم‌ها قانع نیستند و در حرکت فراگیرشان، اهداف کم مایه را دنبال نمی‌کنند؛ جهت ژرفای نگاهی است که نسبت به خود و جهان پیرامون خود دارند. نگاه‌های آنان، از آرمان‌های کم‌ارزش، برگرفته و به اوج‌های متعالی دوخته می‌شود. یاران او، با تأمل در خویشتن و استعداد‌های شگفت‌انگیزشان، عظمت قدر خود را در می‌یابند و از این‌که دنیا و معبودهای دنیوی، آنان را پر نمی‌کنند، مسیر بودن دنیا و سالک بودن خویش را می‌فهمند. آنان با این نگاه، به معبودی پیوند می‌خورند که از تمام کاستی‌ها و زشتی‌ها مبراّ است و می‌تواند آنان را سرشار و ظرفیت‌هایشان را تکمیل کند. پیوند با این معبود نامحدود و مهربان، نگاه‌ها را زیبا و متعالی می‌کند.

گذر از امتحانات

عمق و ژرفای این نگاه، آنان را از سیل امتحانات، سرافرازانه بیرون می‌برد: «إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الذی قال الله تعالى: «مبتلیکم بنهر» و ان اصحاب القائم (ع) یُبتَلون بمثل ذلک؛

سپاهیان طالوت، با نهر آبی آزمایش شدند، همان که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: [خداوند]، شما را با نهر آبی می‌آزماید»، و یاران امام مهدی (ع) نیز مثل آنان آزمایش می‌شوند»

آرزوی شهادت

و آنان را مشتاق شهادت و لقاء الهی می‌کند: «و یَتَمَنُّونَ أَنْ يُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (22) آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند»

دوم. گستردگی

دومین بعد از ابعاد عظمت حرکت امام مهدی، جهانی بودن و گستردگی آن است که بر این اساس به تبیین ویژگی‌های یاران حضرت می‌پردازیم:

1. طرح و برنامه جهانی

اگر یاران حضرت می‌خواهند در رکاب او و هم پای او، جهانی را به معنویت و رشد برسانند و دنیا را سرشار از هدایت کنند؛ بدون تردید باید دیدگاهی وسیع، نگاهی جهانی و طرح‌ها و برنامه‌هایی فراگیر داشته باشند. بدون برخورداری از این نگاه‌ها و طرح‌ها، انتظار انقلاب جهانی، انتظاری بیهوده است. با این حساب، چند گروه، با آن حضرت نسبتی نخواهند داشت :

الف) تنگ‌نظرانی که تنها مقابل پای خویش را می‌بینند و وسعت نگاه‌شان از خود و محدوده خود فراتر نمی‌رود؛

ب) کوتاه‌بینانی که در لاک خویش فرو رفته‌اند و از دنیای پیرامون خود و تحولات آن و نیز از جبهه کفر و اهداف و ابزارهای تحت اختیارش بی‌خبراند؛

ج) کسانی که از این‌ها مطلع‌اند؛ ولی برای رویارویی با آن طرح و برنامه‌ای ندارند. مگر می‌توان بدون طرح و برنامه‌ای جهانی، دنیا را به سعادت و خوش‌بختی رساند؟

2. جهاد و مبارزه جهانی

بعد از آن طرح و برنامه فراگیر، امام بر آن خواهد شد تا دنیا را سرشار از هدایت کند و یاران او نیز در این سازندگی پا به پای او خواهند آمد و در عیان و نهان، مردم را به خدا و دین او دعوت خواهند کرد: «الدعاء إلى دين الله سرّاً و جهراً» (23)

در این میان، هدایت گریزان و عدالت ستیزان فراوانی نیز وجود خواهند داشت که در برابر او، صف کشیده و سدّ راهش خواهند شد. آنان، به مثابه غده‌ای چرکین و عضوی فاسد، برای پیکر جامعه بشریت‌اند و امام چاره‌ای جز جهاد و مبارزه برای قطع آن اعضای فاسد نخواهد داشت. بنابراین یاران و همراهان او نیز، باید اهل جهاد و مقاومت باشند؛ جهادی که «فی سبیل الله» است؛ نه به هدف غنیمت‌یابی و زراندوزی. امام علی(ع) در تفسیر آیه «یجاهدون فی سبیل الله...» (24) فرمودند: «هم أصحاب القائم؛ (25) آنان، یاران امام قائم‌اند».

این جهاد، مبارزه با دنیایی از ظلم و ستم است و به همین سبب امام رضا (ع) به اصحاب خود فرمود: «امروز، شما آسوده‌تر از آن روزید (روز ظهور)» پرسیدند: چرا؟ فرمودند: اگر قائم ما (ع) قیام کند، چیزی وجود نخواهد داشت جز خون بسته شده و عرق پیشانی و خواب برزین اسب‌ها» (26).

دنیا خواهان و رفاه طلبانی که به خوشی‌ها خو کرده‌اند و از جنگ و جهاد گریزان‌اند و مقدّس‌مآبان بزدلی که با جهاد و مقاومت و خون و شمشیر بیگانه‌اند؛ در حلقه یاران حضرت راهی نخواهند داشت.

3. شجاعت

اگر جهاد و مبارزه، جهانی و فراگیر است، پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم‌هایی پولادین داشته باشند؛ چراکه بدون آن، قدم‌هایارای حرکت نخواهد داشت:

«کَلِّهِمْ لِيُوثَّ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لِأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا» (27) همه شیرانی‌اند که از بیشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا برمی‌کنند»

«جَعَلْتُ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ؛ (28) دَلْ هَإِشَانْ، چُون پاره‌های آهن شده است»

«فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛ (29) به هر کدام‌شان، نیروی چهل مرد داده شده است».

«لَوْ مَرَّوْا بِالْجِبَالِ لَقَطَعُوهَا؛ (30) اگر به کوه‌های آهن روی آورند، آن‌ها را قطعه قطعه می‌کنند»

4. ایشار

آن حرکت گسترده، برای هدایت و سازندگی است؛ نه جهان‌گشایی و زمین‌گیری. جهاد، مقدمه این آرمان الهی است و آن‌چنان که رسول (ص) از حقّ اهل بیت خود (ع) چشم می‌پوشاند و آنان را در تنگنا و مضیقه قرار می‌داد، تا دیگران به رفاه برسند و از این رهگذر دل‌هایشان نرم و نسبت به دین مایل گردد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «كَانَ مَنْ تَأَلَّفَهُ لَهُمْ أَنْ كَانَ النَّاسَ فِي السَّكَنِ وَالْقَرَارِ وَالشَّبَعِ وَالرَّيِّ وَاللِّبَاسِ وَالْوَطْأَ وَالذَّارَ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (ص) لَا سَقُوفَ لِبَيْوتِنَا وَلَا أَبْوَابَ وَلَا سُورَ إِلَّا الْجُرَائِدَ وَمَا أَشْبَهَهَا وَلَا وَطْأَ لَنَا وَلَا دِثَارَ عَلَيْنَا تُدَاوِلُنَا الثُّوبُ الْوَاحِدُ فِي الصَّلَاةِ أَكْثَرَنَا وَنَطْوِي الْأَيَّامَ وَاللَّيَالِيَ جَوْعًا عَامِتَنَا... فَيُؤَثِّرُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرْبَابَ النِّعَمِ وَالْأَمْوَالِ تَأَلَّفًا مِنْهُمْ لِهَيْمٍ وَاسْتِكَانَةً مِنْهُمْ لِهَيْمٍ؛ (31) از جمله مهربانی‌های پیامبر (ص) نسبت به مردم این بود که آنان در آرامش و سیری و پوشش بودند. زیرانداز و روانداز داشتند؛ ولی خانه‌های ما (خاندان او) سقف و در و دیواری به جز شاخه‌های خرما و مانند آن نداشت و فرش و رواندازی نداشتیم؛ بیشتر ما، برای نماز تنها لباس‌مان را دست به دست می‌چرخانیم و روزها و شب‌های سال‌مان را به گرسنگی سپری می‌کردیم ... او از سر مهربانی و فروتنی، صاحبان نعمت و مکتب را بر ما مقدّم می‌داشت»

یاران حضرت مهدی (عج) نیز سختی‌ها را به جان می‌خرند و از خوشی‌ها و لذایذ چشم می‌پوشند و با دست‌های مهربان‌شان، خوبی‌ها و خوشی‌ها را به دیگران هدیه می‌دهند؛ تا از این رهگذر، قلب‌ها را نرم کنند و رهیدگان را به دامن پر از مهر و محبت دین برگردانند.

5. بردباری

تصوّر این‌که در عصر ظهور کارها، خود به خود به سامان می‌رسد و بدون تحمّل مشقّت‌ها، کاستی‌ها و کژی‌ها، از جامعه رخت بر می‌بندد و از همان ابتدا، همه غرق رفاه و لذّت می‌شوند؛ خیال خام و

تصوّر باطلی است. مفضل بن عمر می گوید: نزد امام صادق (ع) بودم؛ از سبب ناراحتی و غمگینی من پرسیدند. عرض کردم: به وضع بنی عباس و حکومت و جبروت شان می نگرم. اگر این حکومت برای شما بود، ما نیز همراه شما بودیم و از آن بهره می بردیم. حضرت فرمودند: «ای مفضل! بدان که اگر چنان می شد، شبها، کاری نبود جز سیاست و تدبیر امور مردم و روزها، جز درگیر کار مردم بودن، غذای نامطبوع و ناگوار و لباس خشن مانند علی (ع)، و الاّ آتش بود و دوزخ». (32)

به راستی مگر می شود امام مهدی (ع) خود، لباس خشن بپوشد و طعام ناگوار بخورد: «ما لباس القائم الا الغلیظ و ما طعامه إلا الجشِب»؛ (33) ولی یاران و همراهانش غرق رفاه و خوشی باشند؟ امام علی (ع) در وصف یاران مهدی (ع) می فرماید: «إِنَّهُ يَأْخُذُ الْبَيْعَةَ عَنْ أَصْحَابِهِ أَنْ لَا يَكْنُزُوا ذَهَباً وَ لَا فَضَّةً وَ بُرّاً وَ لَا شَعِيراً وَ يَلْبَسُونَ الْخَشْنَ مِنَ الثِّيَابِ»؛ (34) او از یارانش بیعت می گیرد که طلا و نقره ای نیندوزند و گندم و جویی ذخیره نکنند و لباس خشن بپوشند و ...».

آنان، در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی (ع)، مشکلات و مصائب فراوانی را به جان می خرنند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را هیچ می پندارند و به جهت هجوم سختی ها و تحمل مشقت ها، بر خداوند منت نمی گذارند: «قوم لم يَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ» (35) و از این که نقد جان خویش را در کف اخلاص نهاده، تقدیم آستان دوست می کنند، هرگز به خود نمی بالند و آن را بزرگ نمی شمارند: «و لم يستعظموا بذل أنفسهم في الحق». (36)

6. یک دلی

آنان یک رنگ و یک دل اند: «قلوبهم مجتمعة» (37) و این نیست مگر به این سبب که هواها و خودخواهی ها، از جان شان رخت بر بسته و به جای آن، خدا خواهی و خداپرستی نشسته است. با این اتحاد و یک رنگی است که می توان به اهداف جهانی دست یافت و آرمان های الهی را تحقق بخشید. سپاهی که از اختلاف و چنددلی رنج می برد، چگونه می تواند سر افرازانه بام دنیا را فتح کند.

7. استواری

حرکت بزرگ حضرت ولی عصر (عج)، برخوردار از پشتوانه امداد الهی است و بدون برخورداری از امدادهای ویژه الهی، هرگز به آرمان‌های خود دست نخواهد یافت. توجه به وجود این تأییدات الهی، تأثیر شگرفی بر روان یاران امام بر جای خواهد گذاشت. یقین به آن امدادها، باعث می‌شود، ذره‌ای در درستی آرمان‌ها و مسیر خود تردید نکنند و ملامت‌ها و سرزنش‌های کوتاه‌بینان و عافیت‌طلبان، در عزم‌شان خللی نیفکند.

قرآن می‌فرماید: «یا ایهاالذین آمنوا مَنْ یُرتدّ منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه... و لا یخافون لومۃ لائم»؛ (38) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد [به خدا، زبانی نمی‌رساند]. خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند... آنان از سرزنش هیچ ملامت‌کننده‌ای هراسی ندارند»

امام علی (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «هم أصحاب القائم؛ (39) آنان، یاران امام قائم (ع) هستند».

اگر این انقلاب، از رهبری ویژه برخوردار است فیض حضور درکنار چنین امامی - که رسالت پیامبران و اولیا در طول تاریخ بشریت را بر دوش می‌کشد و می‌خواهد بار بر زمین مانده آنان را به مقصد برساند - برای کسانی فراهم خواهد شد که در خود تناسبی با آن امام فراهم کرده باشند و مانند او، خالق هستی را در همه شؤون حیات و هستی‌شان، جریان و حضور بخشند. شاید از همین رو است که از آنان به «مردان الهی» تعبیر شده است: «رجال الهیون». (40)

اهداف و آرمان‌ها

ما تاکنون، برخی از ابعاد انقلاب بزرگ حضرت را بیان کرده، به تبیین ویژگی‌های یاران ایشان از این منظر پرداختیم. در صدر سخن گفتیم راه دیگری نیز برای فهم خصوصیات یاران امام مهدی (عج) وجود دارد و آن تحلیل اهداف انقلاب بود.

با نگاه به اهداف و آرمان‌های انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) نیز می‌توان ویژگی‌های یاران او را - که در واقع پدید آورندگان و ابزار آن اهداف‌اند - گمانه زد. در قسمت‌هایی از دعای ندبه، به برخی از این اهداف، اشاره شده است. بدین منظور، مروری کوتاه به دعای ندبه خواهیم داشت:

1. ستم سوزی: «این المعدّ لقطع دابر الظلمه؛ کجا است مهیا شده برای ریشه کن کردن نسل ستمگران»

یکی از آرمان‌های حضرت، ظلم ستیزی است. اصولاً، در روایات فراوانی، به عدالت گستری و ظلم ستیزی حضرت اشاره شده است: «یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً». (41) کسانی خواهند توانست همراه او برای قطع ریشه‌های ظلم و بی عدالتی، کمر همّت بسته و در این مسیر استوار بمانند که خود، از ظلم گریزان بوده و خویشان را از جور و ستم پیراسته باشند؛ چرا که حضرت مهدی (عج)، از ظالمان به عنوان بازوی خود، استفاده نخواهد کرد.

ظلم، مصادیق فراوانی دارد؛ مانند ظلم به خویشان (فروختن خویشان به ارزان‌تر از لقای حق و جهت مادی و حیوانی دادن به استعدادها و توان‌مندی‌های خود) و ظلم به خانواده، دوستان، جامعه و... . هم‌چنین احتکار، اسراف، سلب آسایش، اهمال در حقوق دیگران، و... همه از مصادیق ظلم است و مرتکبان آن، بیرون از محفل یاران حضرت خواهند بود.

2. احیای سنن: «أین المدّخَر لتجدید الفرائض و السنن؛ کجا است، آن ذخیره‌ای که فریضه‌ها و سنّت‌ها را احیا می‌کند»

از دیگر رسالت‌های حضرت، احیای فریضه‌ها و سنّت‌های الهی است. یاران او، در انجام دادن فرایض و سنّت‌های الهی، اهتمام کامل خواهند داشت؛ زیرا نخستین قدم برای انجام دادن این رسالت، رعایت آن از سوی احیا کنندگان آن است.

از پیشوایان معصوم (ع)، سنّت‌های نیکویی در رابطه با گفت و شنود، رفت و آمد، غذا خوردن، لباس پوشیدن و ... به جای مانده است؛ ولی متأسفانه بسیاری از آنها مهجور مانده است.

آنان که رعایت شیوه‌ها و مدهای رایج جامعه را، بر خود فرض می‌دانند و سنت‌ها و روش‌های پیشوایان معصوم(ع) را فراموش کرده‌اند؛ در جمع یاران حضرت راهی نخواهند داشت.

3. احیای قرآن: «أین المؤمن للحياء الكتاب و حدوده؛ کجا است آن که آرزو می‌رود قرآن و حدودش را زنده کند». حضرت خواهد آمد تا قرآن، را از غربت به در آورد و گردهای نشسته بر رخسار را بزدايد. آن را از کنج مساجد، به متن زندگی انسان‌ها بیاورد و دردهایشان را با آن تسکین بخشد و نابسامانی‌ها را به سامان رساند.

بیگانگان با قرآن - که هفته‌ها و ماه‌ها قرآن را نمی‌گشایند و انس و الفت‌شان با اشعار، آثار ادبی و رمان‌ها، از انس با قرآن بیش‌تر است - در بزم با صفای یاران حضرت، جایگاهی نخواهند داشت. اما یاران حضرت، نه تنها اهل قرائت قرآن‌اند؛ بلکه آن را در اعماق جان‌شان جریان بخشیده و با آن زندگی می‌کنند و روح‌شان، را صفا می‌بخشند.

«تُجلی بالتزئیل بصائرهم و یرمی بالتفسیر مسامعهم؛(42) با قرآن، دیدگان‌شان نورانی می‌شود و تفسیر آن، در گوش جان‌شان، جای می‌گیرد»

4. عصیان ستیزی: «أین مبیّد أهل الفسوق و العصیان و الطغیان؛ کجا است آن بنیان‌کن اصحاب فسق و عصیان و طغیان»

از دیگر برنامه‌های امام مهدی (ع)، مبارزه با اهل فسق و نافرمانی است و زندگی یارانش از این آلودگی‌ها پاک است. آنان، هم چنان‌که با خدای خود عهد بسته‌اند که از اطاعت او سرنیچند؛ با ولیّ او نیز بیعت بسته‌اند که از محارم الهی چشم‌پوشند

امام علی (ع) می‌فرماید: «إنّه يأخذ البیعة عن أصحابه علی أن لا یسرقوا و لا یزنوا و لا یسبوا مسلماً و لا یقتلوا محرماً... و لا یضربوا أحداً إلاّ بالحق... و لا يأکلوا مال الیتیم... و لا یشربوا مسکراً...»(43) از اصحاب خود بیعت می‌گیرد که دزدی نکنند، دامن‌شان را به آلودگی نیالایند، مسلمانی را دشنام ندهند، کسی را به ناحق نکشند... کسی را نزنند؛ مگر این که مستحق آن باشد، ... مال یتیم را نخورند... شراب ننوشند...».

5. عزت دوستان: «أَيْنَ مَعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مَذَلِّ الْأَعْدَاءِ؛ كَجَا اسْتِ عَزَّتْ بَخْشِ دُوسْتَانِ وَ خُورِ كُنَنْدِه

دشمنان»

در طول تاریخ - به جز بعضی از زمان‌ها - به سبب بهره‌مندی عده‌ای از زر و زور و به کاربردن حيله و تزویر، غلبه و عزت ظاهری برای جبهه باطل بوده است و مؤمنان و پارسایان واقعی، به ظاهر زبون و خوار و در چشمان کوتاه بین دنیاپرستان، کم‌ارزش و زبون بوده‌اند. و آن حضرت می‌آید تا به این ستم تاریخی پایان دهد و عزت واقعی مؤمنان را در ظاهر نیز نمایان سازد و بی‌مایگی و بی‌پایگی عزت ظاهری جبهه طاغوت را بر ملا کند. کسانی خواهند توانست با او در پیمودن این مسیر، همراه و هم‌قدم باشند که به عزت واقعی پارسایان، با تمام وجود اعتقاد داشته باشند و باطل را - با تمام ظاهر فریبنده و پرهیاهوی خیره‌کننده‌اش - ذلیل و زبون بدانند؛ نه این‌که در برابر اهل دنیا و اربابان زرو زور، خاکسار و فروتن باشند و در برابر مؤمنان تهی دست، متکبر و مغرور! امام علی (ع) در تفسیر آیه «... أَذْلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعَزُّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (44) فرموده است: «هم أصحاب القائم؛ (45) آنان، یاران امام قائم (ع) هستند»

بشارت‌ها:

1. جوانان، از آن جا که از فطرت‌هایی پاک و بی‌آلایش برخوردارند و تعلقات و وابستگی‌ها، در اعماق جان‌شان ریشه ندوانده است؛ بیشتر یاران آن حضرت را تشکیل خواهند داد. امام علی (ع) می‌فرماید: «یاران امام قائم (ع)، جوان‌اند و در میان‌شان پیر یافت نمی‌شود؛ به جز اندکی، مانند سرمه در چشم و نمک در طعام که کم‌تر از هر ماده در طعام، نمک آن است.» (46)

البته، جوان بودن یاران امام، لطمه‌ای به جایگاه پیران با ایمان نزده و بر عدم همراهی ایشان گواهی نمی‌دهد؛ چرا که اولاً پیران - گرچه تعدادشان اندک است - اما باز هم در میان اصحاب ویژه حضرت حضور دارند و ثانیاً، به جز 313 یار اصلی، مؤمنان بسیاری نیز گرد حضرت جمع شده و ایشان را یاری خواهند کرد.

2. بر اساس برخی از روایات، بانوان نیز در میان اصحاب ویژه حضرت، حضور چشم‌گیری دارند. و این، نوید شوق‌انگیز و شرف‌آوری برای بانوان است تا کمر همت بسته و برای پیوستن به این جمع

پربرکت، تمام توان خود را به کار گیرند . امام باقر(ع) می فرماید: «یجیی و الله - ثلاثُ مأه و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر میعاد؛(47) به خدا سوگند! 313 تن که پنجاه تن از بانوان نیز در میان شان حضور دارند، بدون هیچ قرار قبلی، در مکه گرد هم جمع خواهند شد»

آنچه گذشت، شمه‌ای از ویژگی‌های یاران امام مهدی(ع) بود . به جهت برخورداری از این خصوصیات، در روایات، از آنان به عظمت یاد شده و پیشوایان معصوم (ع) زبان به ستایش و بزرگداشت آنان گشوده‌اند.

امام علی در وصف آنان می فرماید: «فبأبی و أمی من عدّةٍ قليلةٍ أسمائهم فی الأرض مجهولة...»؛(48) پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین ناشناخته‌اند...

«أولئك هم خيار الأمّة مع أبرار العترة»؛(49) آنان خوبان امت اند با نیکان خاندان پیامبر(ص)

شاید دانستن این ویژگی‌ها، برای برخی، به جای آن که امید بخش و حرکت‌زا باشد، باعث سستی و ناامیدی گردد؛ چرا که به حق، یاران امام مهدی (ع) از صفاتی عالی و کمالاتی بی شمار برخوردارند و این ویژگی‌ها، به ظاهر، از حدّ و اندازه انسان‌های معمولی فراتر است. شاید برخی با مقایسه خود با آنان - به جهت ضعف‌ها و کاستی‌هایشان - فاصله خود را با آنان، غیر قابل جبران بیندارند! اما توجه به دو نکته، ما را از دام این یأس و ناامیدی می‌رهاند و دلمان را سرشار از نور امید و یقین می‌کند:

یکم. در صورتی ویژگی‌های یاد شده، یأس‌آور خواهد بود که ما بر این باور باشیم که یاران حضرت، افرادی معین‌اند که مثلاً اسامی آنان در روایات آمده و کسی نمی‌تواند از آن جمع خارج شده و یا به آنان بپیوندد . ولی خوش‌بختانه برای این باور، دلیل و مبنای متقنی وجود ندارد. البته در روایات از افراد معینی (مانند اصحاب کهف، سلمان فارسی، مالک اشتر و...) نام برده شده است(50)؛ ولی - بر فرض صحت اسناد این روایات - اینان عده اندکی از یاران حضرت‌اند و هنوز زمینه برای دیگران مهیا است.

انسان، حقیقتی بس پیچیده و اسرارآمیز، با قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های خیره‌کننده دارد و تا قلب انسان، از تپش نایستاده، می‌تواند خود را از حوض خاک به اوج افلاک برساند؛ به شرط این که «خود» را باور داشته باشد و بداند که می‌تواند. یاران آن حضرت، نه از دیگر کرات و آسمان‌ها هستند و نه تافته جداافتاده! آنان نیز انسان‌هایی، از همین آب و خاک‌اند و پدران و مادرانی چون پدران و مادران ما دارند. خداوند نیز اگر به آنان عنایتی می‌کند، به جهت لیاقتی است که خود در خویشتن پدید آورده‌اند. پس مانیز می‌توانیم خود را به جمع‌شان ملحق کنیم؛ به شرط این که بخواهیم. از همین‌رو، پیامبر(ص) به سلمان فارسی فرمود: «یا سلمان! اِنَّکَ مُدْرَکَہ و مِن کَانَ مِثْلَکَ و مَن تَوَلَّاهُ هَذِهِ الْمَعْرِفَةُ...» (51) ای سلمان! تو با او خواهی بود و نیز هر کس که چون تو باشد و مانند تو، به او معرفت داشته باشد...».

دوم. آنچه از صفات و ویژگی‌های یاران حضرت برشمردیم، غالباً مربوط به یاران ویژه حضرت (313) یاور مخصوص آن امام همام) بود؛ یاورانی که فرماندهان لشگر، دستیاران و حکام او هستند: «هم الوزراء يحملون أثقال المملكة عنه؛ آنان وزیران اویند که از جانب او، سنگینی بار حکومت را بر دوش می‌کشند». و «هم النجباء و القضاء و الحکام و الفقهاء فی الدین...» (52) آنان برترین‌ها، قاضیان، حاکمان و فقیهان در دین‌اند». لیکن یاران حضرت منحصر در این مجموعه نیستند. در روایات، برای حضرت از لشگر ده هزار نفری نیز سخن به میان آمده است. قیام حضرت از مکه، پس از اجتماع آنان خواهد بود. امام صادق (ع) در این باره فرموده‌اند: «لا یخرج القائم من مکه حتی تکمل الحلقة؛ (53) امام قائم (ع) از مکه خارج نمی‌شود؛ مگر هنگامی که گروه تکمیل شوند». راوی می‌پرسد: آنان چند نفرند؟ امام پاسخ می‌دهد: «عشرة آلاف؛ ده هزار نفر». اینان، علاوه بر خیل عظیم مؤمنانی‌اند که در میانه راه به حضرت خواهند پیوست.

سخن آخر این که ما اگر همّت آن‌را نداریم که در جمع یاران ویژه حضرت باشیم؛ لااقل بکوشیم که از خیل عظیم همراهان حضرت و لشگر همگانی آن عزیز، بیرون نباشیم.

پی‌نوشت‌ها:

2. بحار الانوار، ج 52، ص 352
3. نور (24)، آیه 55.
4. معجم أحاديث الإمام المهدي، ج 5، ص 284.
5. قصص (28)، آیه 5.
6. معجم أحاديث الإمام المهدي، ج 5، ص 321.
7. همان، ج 3، ص 385.
8. برای توضیح بیشتر ر. ک: خورشید مغرب، ص 52.
9. امام علی (ع): منتخب الاثر، ص 611.
10. امام صادق (ع): بحار الانوار، ج 52، ص 308.
11. امام علی (ع): يوم الخلاص، ص 224. به نقل از بشارة الاسلام، ص 220
12. امام صادق (ع): همان.
13. همان.
14. بحار الانوار، ج 52، ص 308.
15. حضرت محمد (ص): يوم الخلاص، ص 223. به نقل از بشارة الإسلام، ص 9
16. امام سجاد (ع): منتخب الأثر، ص 244
17. امام صادق (ع): بحار الانوار، ج 52، ص 308.
18. همان.
19. همان.
20. حضرت محمد (ص): يوم الخلاص، ص 223. (به نقل از بشارة الإسلام، ص 9)

21.امام صادق (ع): بحارالانوار، ج 52، ص 308.

22.امام صادق (ع): بحارالانوار، ج 52، ص 308.

23.امام سجاد (ع): منتخب الأثر، ص 244.

24.مأئده(5)، آیه 54.

25.منتخب الأثر، ص 475.

26.بحارالانوار، ج 52، ص 259.

27.امام علی(ع): يومالخلاص، ص 224. به نقل از بشاره الاسلام، ص 220

28.امام سجاد(ع): يومالخلاص، ص 228. به نقل از بشاره الاسلام، ص 24

29.همان.

30.همان.

31.اختصاص شيخ مفيد، ص 172.

32.عن المفضل و قال: كنت عند ابي عبدالله (ع) بالطواف فنظر الىّ و قال لي: يا مفضل مالي اراك مهموماً متغيّر اللون؟ قال: فقلت له: جعلت فداك نظري الى بني العباس و ما في ايديهم من هذا الملك والسلطان و الجبروت فلو كان ذلك لكم لكنّا فيه معكم. فقال: يا مفضل اما لو كان ذلك لم يكن الا سياسة الليل و سياحة النهار و اكل الجشب و لبس الخشن شبه امير المؤمنين 7 و الافالنار...: بحارالانوار، ج 52، ص 359

33.امام صادق (ع): بحارالانوار، ج 52، ص 354.

34.منتخب الاثر، ص 469.

35.امام علی(ع)، يومالخلاص، ص 223 به نقل از بشاره الاسلام، ص 220

36.همان.

37.همان.

38.مائده (5)، آیه 54.

39.منتخب الاثر، ص 475.

40.امام علی(ع): يوم الخلاص، ص 226. به نقل از بشاره الاسلام 297

41.غیبه طوسی، ص 52.

42.امام علی(ع): يوم الخلاص، ص 226. به نقل از بشاره الاسلام، ص 297

43.منتخب الاثر، ص 469.

44.مائده (5)، آیه 54.

45.منتخب الاثر، ص 475.

46.بحار الانوار، ج 52، ص 333: «ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم الا كالكل في العين والملح في الطعام واقل الزاد الملح».

47.همان، ص 223.

48.معجم احاديث الامام المهدي، ج 3، ص 101.

49.يوم الخلاص، ص 224، به نقل از بشاره الاسلام، ص 39.

50.امام صادق(ع): إذا قام قائم آل محمد استخرج من ظهر الكعبة سبعة و عشرين رجلاً و سبعة من اصحاب الكهف و يوشع، وصى موسى، و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسي، و أبادجانه الانصاري، و مالك الأشر؛ چون قائم آل محمد(ع) قيام کند از پشت كعبه بيست و پنج نفر را بيرون خواهد آورد... و هفت نفر از اصحاب كهف و يوشع، وصى حضرت موسى و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسي و ابادجانه انصاري و مالك اشتر.(معجم أحاديث الامام المهدي، ج 5، ص 122)

51.همان، ص 222.

52. همان، ج 5، ص 37.

53. بحار الانوار، ج 52، ص 367 .